

---

## از «علف» تا «مرگ کوچ» با عبور از «تاراز» داستان کوچ بختیاری<sup>۱</sup> به زبان سینما

---

در تاریخ سینمای مستند، که شاخه‌ای برجسته و از همه نظر مهم را در هنر سینما تشکیل می‌دهد، فیلم علف Grass در کنار آثاری چون «نانوک شمال»، «شیشه»... جای بزرگی را به خود اختصاص داده است. این فیلم در سال ۱۹۲۴ به وسیله مریان سی. کوپر کارگردان و ارنست شودساک فیلمبردار آمریکایی از جریان کوچ طایفه بامدی ایل بختیاری گرفته شده و در طبقه آثار حماسی ستاینده زندگی و پویایی انسانها جای گرفته است. علف چندین دهه تماشاگران خود را به تحسین واداشته و برای ما - ایرانیان - بویژه اهمیتی مضاعف داشته است، از آن رو که ثبت کننده یکی از پرتحرکترین و معنی دارترین اعمال حیاتی جوامع انسانی، یعنی کوچ ایل ایرانی، یا جابه‌جایی دسته‌جمعی هزاران انسان و حیوان در جستجوی محیط مساعدتر زندگی است. «علف» اکنون از بهترین و برجسته‌ترین مستندهای جهان شمرده می‌شود و این ارزش تنها نه به لحاظ امتیازهای هنری و فنی این فیلم است بلکه به جهت دید انسانی مریان سی. کوپر و نیز این نکته پراهمیت است که در حدود هفتادسال پیش، سینما این هنر متحول و پر دامنه، برای نخستین بار تواناییهای جامعه‌شناختی خود را به اثبات رساند و نشان داد که اگر فیلمساز دارای آگاهیهای لازم در هر رشته‌ای باشد، سینما می‌تواند به عنوان بهترین ابزار پر قدرت علمی در دستانش قرار



● مریان سی. کوپر کارگردان فیلم علف (۱۹۲۴)

بگیرد و کوپر چنین ظرفیتهای علمی را داشت که در آن دهه پر آشوب از آن سوی کره زمین با وسایلی ابتدایی به ایران آشفته آن زمان آمد و با آگاهیهای علمی و عملی خویش به ضبط یکی از حماسه‌های به یادماندنی تاریخ سینما از نبرد انسان و طبیعت و پیروزی اراده انسان بر کوهها و دره‌ها و رودخانه‌های وحشی پرداخت.

باری «علف» با برخورداری از این ارزشها، «اکنون» معنای دیگری پیدا کرده‌است. اکنون به معنای زمانه‌ای است که کوچ و حرکت ایلی و بیژگیهای حماسی خویش را در پرتو تحولات و وسایل جدید زندگی از دست داده‌است. و این کیفیت را فرهاد ورهرام، فیلمبردار و عکاسی پرتجربه‌ای که عمری را به کار در زمینه‌های کشاورزی و جامعه‌شناسی روستایی و عشایری گذرانده بافیلم «تاراز» نشان داده‌است. تاراز نام کوهستان اصلی مسیر کوچ ایلی بختباری است. ورهرام در سال ۱۳۶۷ (۱۹۸۸)، حدود ۶۵ سال بعد از مریان کوپر، همان مسیر پیموده شده فیلم علف را با گروه خویش طی کرد و فیلمی ساخت که از



● فرهاد وهرام کارگردان فیلمهای تاراز و مرگ کوچ

سویی یاد آور و بزرگدارنده اقدام مریان کوپر است و از سوی دیگر، تغییرات و تحولات زندگی عشایر، محیطزیست آنها و امکانات و مقتضیات جدید را نشان می‌دهد. در فیلم تاراز، راوی جابه‌جا از مسیر کوپر یاد می‌کند و تصاویری از علف را هم به عنوان شاهد، به نظر تماشاگر می‌رساند.

برای یادآوری ماجرای «علف» بد نیست بدانیم که مریان سی. کوپر و گروهش در ۱۹۲۴ نخست وارد شهر شوشتر شدند.

در تاریخ ۳۱ مارس در آنجا با یکی از خانهای بزرگ ایل بختیاری به نام رحیم‌خان ملاقات کردند و هم او مقدمات سفر این گروه را فراهم آورد و کوپر را به حیدرخان کلانتر طایفه «بامدی» از ایل بختیاری معرفی کرد. کوپر و گروهش در ۱۷ آوریل ۱۹۲۴ (۲۸ فروردین ۱۳۰۳) با دوربین فیلمبرداری و عکاسی و وسایل شخصی از منطقه گرمسیر عشایر بختیاری در استان خوزستان به همراه طایفه بامدی کوچ را آغاز کردند و در روز ۲۴ آوریل پس از چند روز تلاش توانفرسا از رودخانه کارون گذشتند، چرا که در آن



● صحنه‌ای از «تاراز»، عبور از کوهستان صعب‌العبور تاراز با همه احشام و وسایل

زمان هنوز پلی بر روی کارون ساخته نشده بود. آنها پس از توقف در چند منزلگاه سرانجام پس از ۴۳ روز درگیری با طبیعت و طی مسافتی بیش از ۴۰۰ کیلومتر در تاریخ ۳۰ ماه مه به قلمرو بیلاقی ایل در استان چهارمحال و بختیاری رسیدند. طایفه‌ای که کوپر همراه آنها کوچ کرد از بزرگترین و قدرتمندترین عشایر ایران است. کوپر در جریان فیلمبرداری علف لحظه به لحظه کوچ و همه دشواریهای آن را شخصاً تجربه کرد و پایه‌پای افراد ایل از کوههای پربرف و گذرگاههای خطرناک و رودها و نه‌های وحشی و پرخروش مسیر عبور کرد و به چشم خود دید که عبور دادن پانصد هزار دام از گذارهای رودخانه چه اندازه دشوار است و انسانها نیز در همین مسیر با خطرات عینی روبه‌رو می‌شوند چنانکه چندتنی از افراد ایل در ضمن کوچ جان باختند و دامهای بسیاری نیز از دست رفتند. کوپر مانند افراد ایل، به کمک «کلک»،هایی که بر مشکهای پرباد بسته و به آب افکنده می‌شد از کارون عبور کرد، وی دوربین خود را نیز بر همین کلکها استوار ساخت و چندین بار عرض رودخانه را رفت و برگشت تا بتواند صحنه‌های عبور افراد و دامها و



● نزدیکهای مقصد و پایان  
کوچ... اما پایان دیگری هم  
نزدیک است.

چهارپایان را بخوبی ضبط کند و صحنه‌های به یادماندنی و زیبا و هیجانانگیز از زندگی عشایر را بر روی نوار فیلم جاودانی سازد. کوپر همچنین خاطرات سفر خود را در کتابی تحت همان عنوان فیلم (Grass) در سال ۱۹۲۵ منتشر کرد.

اما در فیلم «تاراز» و رهرام می‌بینیم که در همان محلی که گروه کوپر با آن دشواری از کارون عبور کرده‌است پلی ساخته شده که عشایر هر ساله با کامیون و تراکتور و وانت از روی آن عبور می‌کنند. شاید اکنون مردم ایبل ندانند آن مردی که کوپر از مرگ او در جریان عبور از رودخانه در خاطراتش یاد می‌کند احتمالاً پدر بزرگ یکی از آنها بوده‌است.



● گذر از گذار يك رودخانه، از صحنه‌های زیبای تاراز

ورهرام با فیلم «تاراز» تحولات زندگی ایلی و کوچ را در همان مسیر کوچ علف نشان داد و از این رو فیلم او می‌تواند ارزش تطبیقی اجتماعی خاصی داشته‌باشد. اما نکته مهم آنکه این فیلمساز در جریان ساختن تاراز و مشاهده تفاوتها و تغییرات چشمگیر زندگی عشایری به این اندیشه افتاد که فرایند فروپاشی نظام زندگی ایلی و کوچ‌روی را که روزگاری مایهٔ حماسه‌ها و نبردها و اختلافات عمیق بین طوایف و روی‌دادن وقایع مهم بوده‌است، بر روی فیلم ضبط کند و سندی جامعه‌شناختی در این قلمرو پدید آورد. آنچه او را بویژه بیشتر به این امر برانگیخت پیداشدن لطفی، پسر ۹ ساله حیدرخان بود؛ همان که کوپر او را در جریان کوچ علف، برای فیلمبرداری بهتر، مدتی در آب‌هان سرد کارون نگاه‌داشت و پسرک شب‌هنگام بیمارشد. کوپر دچار عذاب وجدان بود و از حیدرخان عذرخواهی می‌کرد ولی خان اهمیتی نمی‌داد.

«شب بعد از عبور از رودخانه با محمد (مترجم) و حیدرخان نشسته بودیم و سیگار می‌کشیدیم. لطفی پسر ۹ ساله حیدر مریض بود من فکر می‌کردم که علت ناخوشی او این بوده که او را مدت نسبتاً

زیادی در آب سرد کارون نگه داشته‌ایم که فیلمبرداری کنم. به دنبال این فکر به حیدر گفتم:

— فکر اینکه باعث ناخوشی پسر تو شده‌ام مرا خیلی آزار می‌دهد. حیدر جواب داد:

— چیزی نیست، ما مردم ایلات به سرما و طوفان و باران توجهی نداریم. این چیزها مردم ترسوی شهر را به وحشت می‌اندازد. (سفر به سرزمین دلاوران، مریان سی. کوپر، ترجمه امیرحسین ظفر ایلخان بختیاری، موسسه امیرکبیر ص ۷۶)

ورهرام لطفی را در سن ۸۰ سالگی پیدا کرد، ولی نه در میان ایل، بلکه در یکی از کوچه‌پسکوچه‌های شهر اهواز، با خانواده‌ای که هر کدام شغلی شهری پیدا کرده و ساکن شده بودند، مغازه داری و کامیون‌داری و ... لطفی ۹ ساله در صحنه‌های بسیاری از فیلم علف دیده می‌شد و اینک در ۸۰ سالگی چیز زیادی از آن روزگار را به یاد نمی‌آورد. لطفی در تاراز هم دیده می‌شود. هم او و هم خانواده آمرید که از نزدیکیان حیدرخان علف شمرده می‌شوند. این خانواده که محور فیلم تاراز هستند و ورهرام کوچ خود را با آنها انجام می‌دهد، سه سال پس از پایان فیلمبرداری تاراز، شهرنشین شدند و همین امر، ایدزمرگ کوچ را در ذهن ورهرام ایجاد کرد، فیلمی دیگر از تلفیق و تطبیق و دنبال کردن پدیده‌ها و جریان‌هایی که حماسه «علف» را به سکون و شهرنشین شدن و مرگ کوچ پیوند می‌دهد.

ورهرام با این دید گروه خود را به محل برد و زندگی افراد شناخته شده فیلم تاراز را پی گرفت: پیش از همه و معروفتر از همه لطفی، پیرمرد، لطفی کودک ۹ ساله علف را و از جمله او را در برابر خانه‌اش در اهواز، در برابر تلویزیون، هنگام تماشای ویدئوی فیلم «علف» و دوران کودکی خودش نشان داد، صحنه‌ای تکان‌دهنده! لطفی بعداً ضمن مصاحبه‌ای درباره فیلم علف و کوچ و پدرش حیدرخان و زندگی کنونی خودش و پسران و دخترانش سخن خواهد گفت. مرگ کوچ همچنین زندگی آمرید، شخصیت محوری فیلم «تاراز» و افراد خانواده و خانه و زندگی شهری آنها در مسجدسلیمان را دنبال خواهد کرد.

ورهرام فیلمبرداری این اثر را که پیشبینی می‌کند حدود ۶۰ دقیقه خواهد بود، به طریقه ۱۶ میلیمتری به پایان رسانده و بزودی مونتاژ آن را آغاز خواهد کرد. به یقین «علف» و «تاراز» و «مرگ کوچ» تریلوژی جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی با ارزشی خواهد شد که امیدواریم نمایش عمومی هم داشته باشد.



عشایر کوچنده ایل بختیاری طبق سالنامه آماری ۱۳۷۰ کشور با ۲۷۹۶۰ خانوار و با جمعیت ۱۸۱۷۷۷ نفر بزرگترین تشکل ایلی در ایران شمرده می‌شوند. این ایل از

(۱)

طایفه‌ها و تیره‌های متعدد تشکیل شده‌است. عشایر بختیاری در سرزمینی وسیع از ارتفاعات زاگرس مرکزی به سر می‌برند و هر ساله بین ارتفاعات سردسیری (بیلاقی) و جلگه‌های گرمسیری (قشلاقی) جابه‌جا می‌شوند. زندگی عشایر بختیاری مبتنی بر کوچ و شغل اصلی آنها دامداری است و تعداد کمی کشاورزی در گرمسیر و سردسیر دارند. عشایر بختیاری هفت ماه از سال را در گرمسیر (شرق استان خوزستان) زندگی می‌کنند. با گرم شدن هوا چادر و وسایل خود را با قاطر و الاغ و وسایل مکانیکی وانت، موتور یا کامیون و ... به سوی ارتفاعات کوهستانی حرکت می‌دهند و این کار در حدود یک ماه طول می‌کشد. پس از ۳ ماه اطراق در سردسیر (ارتفاعات زردکوه در استان چهارمحال و بختیاری) با سرد شدن هوا دوباره به گرمسیر بازمی‌گردند. این مدت نیز حدود یک ماه طول می‌کشد.

## دو توضیح

۱- متأسفانه بر اثر اشتباهی در تنظیم و صفحه‌بندی ویژه‌نامه «گات، رایزنی و شناخت»، مقاله «مذاکرات دورارو گونه» در صفحه ۴۸ که عیناً از بخشی از کتاب «آشنایی با موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت گات و بررسی تعبات الحاق جمهوری اسلامی ایران به آن» چاپ مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی نقل شده بود، بدون ذکر مأخذ به چاپ رسید و برای همکاران ما در مؤسسه یادشده تولید سوءتفاهم نمود. در حقیقت حذف صفحات آغازین مقاله مزبور که مأخذ کامل در آن ذکر شده بود، به منظور کاستن از بار حجم مقاله این سوءتفاهم را ایجاد کرد. ضمن پوزش از این رویداد ناخواسته برای همکارانمان موفقیت هر چه بیشتری آرزو می‌کنیم.

۲- در ویژه‌نامه گات، رایزنی و شناخت، عنوان مقاله «آثار گات بر کشورهای واردکننده مواد غذایی» در اصل:

«تصمیماتی در باب اقدامات و ضوابط مربوط به اثرات احتمالی منفی برنامه‌های اصلاحی در کشورهای کمتر توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه واردکننده خالص مواد غذایی» بود که به دلیل دراز بودن بیش از حد، به شکل بالا تغییر داده شد.